



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۱۱/۲۰

داکتر صلاح الدین سعیدی

سیاستمدار چرا رنگ میبازد؟

قبل از همه به مطالعه اخلاقی ها، وزیر مهاجرین زمان جمهوریت از دسته ستمیان!

سیاست مدار، رهبر و زعيم قوی سیاسی، صاحب نفوذ و با اتوریته نمی تواند، آنچه دل تنگ و تمایلات درونی اش متأثر از تجارب بد شخصی و محیطی اش، نظریه پردازی کند و یا خطوط سیاسی خود را به صورت تجربیدی تعیین و ملت را شنوا و قبول کننده افکار و لاطیلات خود به هر قیمت بسازد و توقع کند که گویا مردم و جامعه کور و کر هستند و ملت از ایشان اطاعت خواهند کرد!

ما زمانیکه در بخش از موارد تأکید داریم که عصر لوبه جرگه های عنعنوی گذشته و حال هر فرد عوض کلان قوم و قبیله فکر، تصور، برداشت و موضع خود را دارد، به نحوی هر شهروند تصمیم گیر هست و به شکل کور و کر دیروز به عقب خان، ملک و ملا نمی رود، به همین بحث و به همین موضوع هم ارتباط مستقیم دارد، لذا بر اصل یک شهروند و یک رأی تأکید دارم، که رهبر، پیشوا و سیاست مدار و پیشتاز جامعه در همین استقامت و در همین چوکات خواست و ضرورت ملت و شرایط داده شده فرصت مانور و تنظیم افکار و به نحوی محدود استقلال خود را نیز دارد! حرکت خارج از این حلقه و خارج و یا در خلاف خواست مردم و ملت، سیاسی و پیشتاز را تجرید و استغراق میکند! چیزیکه بخاطر همین روشها و عوامل بیرون از اراده ملت، مخالفین طالب را به آن مواجه ساخته و جنابان از جمله اخلاقی ها آنرا ولو به نحوی انحرافی و به جانب خود اینک اقرار میکنند!

اخلاقی ها و امثال آن سیاسیون معترف نیستند و این شهامت را ندارند که عامل مباشر و مستقیم این حالت خود شان نیز بودند و هستند!

عوامل دور و نزدیک فرعی دیگر مانند سایر پدیده نیز وجود خواهند داشت و دارند، اما عامل خودشان عوامل برجسته و بنیادی هستند!

جامعه افکار منحرف رهبر و زعيم؟! سیاسی در خلاف خواست ملت، عامل اصلی خمود و جمود موجود در فضای سیاسی افغانستان است و اگر این سیاسیون در افکار و طریق کار خویش تغییر وارد نه کنند، در انزوای بیشتر خواهند رفت و حد اکثر در پپ ها، بیرخانه ها و پارک های جهان در مهاجرات به انقراض خواهند رفت!

واقعیت این هست که خطوط و استقامتهای قومی کاری در یک جامعه به سلسله مراتب برعکس یعنی در صورت انعکاس خواست و ضرورت ملت و جامعه رونق گرفته و تنظیم درست شده میتواند که در آنصورت به خمود و جمود موجوده مواجه نه شواهد! بلی این خواسته ها زمانی قوت دارند که در چوکات خواست و ارزو های ملت بوده ، احتیاجات و صدای شان را منعکس کنند و به این ترتیب از ضعف، نا امیدی و اضمحلال بیرون شده و رونق مؤثر گرفته میتوانند!

اما امروز دقیقاً به علت تخلفات خود مخالفین طالب از خواست و آرزوهای ملت با وجود بخش از امکانات ایران، پاکستان و میدیایی مربوط شان نتیجه معکوس و منفی هست و از وضع که خود ایجاد کرده آند شکایت دارند! خدمت شان عرض کنم که:

علت اینکه سیاستمدار ضد طالب چرا بیشتر رنگ میبازد، چنانچه گفته آمدم عمدتاً در کار ، افکار خطاء ها، با تاکتیک فریب و خطای خود شان هست! در موارد استراتژی قربانی تاکتیک هم هست که برای رسیدن به هدف رهایی دست به دامن دشمن بنام پاکستان میزنند و از آن شرم هم ندارد! مردم در وجود سیاسی و پیشتاز خدمتگار و

بلند کنند صدای رنج و آزار شان را دیدن می‌خواهند، نه آقا، بادر و به قدرت رسیدن مجدد دزد و شارلتان سابق بار دیگر و از نو؟

عملکرد مخالفین حاکمیت موجود طالب، افراد سیاسیون نما، خو سقوط دهندهٔ جمهوریت به مفهوم ارزش و قرار اظهارات سالنگی (نطاق داکتر عبدالله عبدالله) در خود به ظاهر جمهوری‌نیتها بودند! سالنگی علناً در مصاحبهٔ زنده تلویزیونی یکنیم سال قبل اعلان کرد: ما و نیروهای نظامی ما به نتیجه رسیدیم که دیگر از جمهوریت... دفاع نه کنیم و... درین عمل بر علاوهٔ مصروفیت به دزدی و چپاول میخ آخر نیز به تابوت خود شان در دید و باز دید های آن وقت به پاکستان، خود نیز زدند! حتی و از جمله در اظهارات عمران خان (صدر اعظم پاکستان آنوقت بود که برای این افراد و نظامیان پاکستان در مجالس علنی و سایر اظهارات) توصیه و اعلام میکرد که: «در آیندهٔ قدرت سیاسی افغانستان طالبان و شما نیروهای سیاسی شمال شریک آید و...» (تصادفی نیست در موضع دفاع از عمران خان زندانی، دهن به دفاع از عمران خ. به دهن آورده نمی‌توانم، چون اکثریت مطلق سیاسیون پاکستان به شمول عمران خان دشمنان قسم خوردهٔ افغانستان‌اند! جنرال زید حامد و... باشند در جایش!).

عدم قوت و رکود امروز مخالفین طالب ذکر شدهٔ جناب اخلاقی‌ها و عدم موفقیت بعدی در برابر حاکمیت مطلق العنان وجود افکار و سیاسیون هست است که به روش به قدرت رسیدن بن اول و کسب اعتماد استخبارات خارجی باور دارند و به آن متمرکزند! درین راه با بسیار بی‌حیایی به استخبارات دشمن تاریخی افغانستان، یعنی ای اس ای به مناسبت های مختلف ملاقات و دست عذر و زاری دراز کرده‌اند و ازین موقف خویش، اندکترین حیاء هم ندارند! در آنجا و تحت نظر پاکستان به بهانهٔ کنفرانس و نشست، راه نجات (رسیدن به زور و زر مجدد) را میجویند، به ضد قوم پشتون و هویت افغانی و تمامیت ارضی افغانستان به صورت دوا مدار علناً استدلال و برنامه های بسیار منحن و ذلیل روی دست دارند، از صد ها مثال حتی از اظهار این پستی و رذالت هم حیاء ندارند که: «کاش دو سه زلزلهٔ دیگر مانند زلزلهٔ کنرها و... در مناطق دیگر پشتون نشین افغانستان نیز شود.»

این افراد و دلقک‌ها نظام فدرالی در افغانستان را در تمام موارد، خلاف تمام ارزشهای دولتهای و به حساب قوم و زبان مطرح و میدیا غیر ملی و اجیر این افکار ضد ملی و ضد افغانی به آن رنگ و پرداس زرین (گالوانیزیشن) بیشتر میدهند!

بلی، بخش دیگر از عوامل رکود در سیاسیون موجود ضد طالبانی، همان حرکات ملی و عمرانی حاکمیت طالب نیز هست که پروژه های موجود زمان جمهوریت را با امکانات کم مالی رنگ و رونق داده، شکسته و ریخته در خلاف توقع، یکی پی دیگر عملی میکنند! اگر حاکمیت موجود طالبان در مهار کردن آب و تولید برق و سیاست های ضد پاکستان درایت موجود ملی را ادامه دهند، حال سیاسیون ضد طالبان که به هر قیمت به قدرت رسیدن خواب میبینند، زار و به رکود بیشتر مواجه خواهد شد!

بلی انکشاف غیر متوازن اقتصادی نظام جمهوریت که زور واکان و مافیا با گرفتن امکانات مادی از حکام پراشوتی، بخش های از افغانستان را بیشتر کار عمرانی کرده (تفصیل در نوشتهٔ داکتر نوراحد خالدي - افغان جرمن آنلاین)، و از پول های این پروژه ها و لو غدودی از گاو در مناطق خود مصرف کردند! پول بند آب و برق (بند بالای دریای لوکر و...) را به زور از دست حاکمیت پراشوتی گرفته و به ساختن مقبره های میلیونی عزیزان خود در بدخشان و... مصرف کردند! این یک مثال نیست، صدها مثال وجود دارد و یک یک اختلاس بزرگ شان اختلاس کابل بانک هست که در آن دهها متخلف، به شمول وزیر، رئیس، معانان رئیس جمهور و رئیس جمهور متخلف و مجرم مشهود‌اند و هستند! مخالفت با حاکمیت مطلق العنان طالب شوق بازگشت متخلفین سابق و جمهوریت به هیچ وجه نیست! این مخالفت به معنای حاکمیت مردم و انتخاب مردم در چوکات ارزشهای اسلامی و داشتن فرصت انتخاب برای همه هست! وزیر و رئیس حق دارد مانند شهروند نظر و موقف خود را داشته باشد، اما حق ندارد با خط کشی نظر و موقف خود را بر دیگران تحمیل کند و ملت را از انتخاب افکار، اندیشه ها و نسخه های مطرح در جامعه در چوکات و با قواعد و قوانین مطرح، محروم سازد! بار دیگر، متمدن ساختن زندگی سیاسی، تطبیق قوانین مشروع و مدون، فرصت به ملت در چوکات قوانین و ارزشهای اسلام است و این فرصت دادن به هیچ صورت تنازل از ارزشهای خود و به این ترتیب توهین به خون شهدای خود نیست!

و حال که این را گفتیم، باید اضافه کنم، آنها که سرباز خود را به ترحم دشمن گذاشتند و دشمن ایشان با بسیار بی رحمی، حتی بعد از تسلیمی قصابی و ذبح کرد، حق ندارند تحت هر عنوان دعوای رهبری و زعامت مجدد کنند! نوبت شان گذشت و امتحان ناکام زعامت خود را دادند! حال قسط الرجال نیست و با ملت سالاری انتخاب ملت درین راستا باید تصمیم گیرندهٔ اصلی شود و قد بلندک مجدد ناکام ها نه درست، نه اخلاقی و نه هم درایت خوب سیاسی هست! این افراد حد امثر مانع تصمیم ملت نه شوند و فرصت دهند و کمک کنند که ملت انتخاب جدید خود را داشته باشد! صلاحیت و کار شان در همین خلاصه شده میتواند! هرگونه توقع و اکت بالاتر ازین مردود مردو و قابل قبول نیست!

یکدسته بودند و دیکتاتوری مطلق العنان، تعلیق قوانین نافذ، عدم وجود قوانین مدون و مشروع و غیر مشروعیت سیاسی یک حاکمیت، انزوای سیاسی جهانی، عدم باور بر مشروعیت سیاسی متداول، سیستم یک حزبی زمان کمونیستی و ... برای یک حاکمیت صفت های خوب نیستند که عده از بیسوادان سیاسی آنرا مثبت ارزیابی میدارند! و بلاخره چنانچه در بالا مستدل آوردیم، فرد و شخصیت و زعیم راه حل و نسخه خروج از بحران نیست و نباید باشد!

رهبران و سربازان دایمی وجود ندارند و انسان تا دم مرگ تخلف و خیانت کرده میتواند، لذا قهرمان دایمی در زنده ها وجود ندارد!

به این ترتیب در چوکات رکود و جمود موجود نسبی در سطح سیاسی ضد حاکمیت مطلق العنان طالب که اخلاقی ها به آن نیز باور دارند، عمدتاً سیاستمدار و مغز متفکر مخالف طالب را کسانی تشکیل میدهند که عامل سقوط جمهوریت و صدها بی عدالتی در نظام جمهوریت شده، به تصفیه های قومی و زبانی پرداختند و حال چیزی برای گفتن و پیشکش کردن هم ندارند!

تکرار تجلیل های روز شهید در اروپا و اظهارات و عملکرد های غیر اخلاقی، غیر انسانی و فاشیستی علمبرداران شان به ضد قوم و زبان های ملی افغان در وجود میدیا و اتصالات امروز، مخالفین حاکمیت طالب را به رکود، اضمحلال و نابودی خواهد برد!

در ملاء عام و به صورت علنی و در پیش کمره تلویزیون گفتن: پشتونها بشنید: این مرتبه بیایم زناهای شما را ... خواهیم کرد و این همه را مردم میشنوند و قضاوت میکنند! علمبرداران مخالف حاکمیت طالب با تمام وقاحت اعلان و اعلام میدارند که تجزیه کشور راه حل است! عده زیادی میشنوند و ساکت اند تا متضرر نه شوند و موجب خشم و دشنام و تهاجم سگهای ولگرد و ولگردها قرار نه گیرند و برای من هم به سکوت توصیه میکنند!

بر مخالفین حاکمیت غیر مشروع، حاکمیت توتالیتیه و مطلق العنانی هست که در روش کاری و افکار خود تغییر بیاورند، حد اقل حال بر برنامه های تمرکز نه کنند که سبب تفرقه شده و باید بر مشترکات که مشترکات همه هست تمرکز و بقیه موارد بعداً در چوکات قانون اساسی کشور باید حل شوند!

بر مخالفین توتالیتیه و مطلق العنانی هست که دست از افکار فاشیستی و ضد اسلامی بردارند، به نسخه و راهکار و سیستم ملت سالاری مانند یک میکانیزم بدون رهبر و زعیم تراشی توافق کنند و در اولویت کاری خود، بدون تمرکز به اظهارات و مواضع ایکه ایشان را متفرق میسازد، متمرکز شوند! درین میان بخش از افکار و نظریات و از جمله نزدیک کردن حاکمیت به ملت و تدابیر عدم تکرار بیعدالتی های کادری، قومی و زبانی راه حل چوبک زدن در کثافات گذشته و ایجاد نفرت و کینه و انتقام و تجزیه ندارند! امیر عبدالرحمن پسر افضل خان وارث پادشاهی امیر شیرعلیخان متوفی نبود و پسر امیر (ایوب خان) مردانه وار در میوند علیه استعمار میجنگید و جهت انتقام از وی جانب استعمار و روسها از مهمانخانه یازده ساله آسیای میانه خود، با عساکر ازیک و ترکمن در افغانستان عبدالرحمن را به قدرت رسانیدن و عبدالرحمن خان را من به قدرت نه رسانیده و نه در آوردن آن نقش داشتیم تا حال فاشیست های قومگرا آنرا به رذالت و شرارت قومی امروز بکار برند! همین عبدالرحمن خان کله منار از مخافین خویش از مردم شینوار نیز ساخت! برای وی قوم و زبان مطرح نبود و تحکیم قدرت خود را و وسعت حرمسرای خود را خود مرکز مبارزه خود ساخته بود! سیاستهای وی بود که عده از افغانستان مرکزی سر به سلامت کشیدن و به کوئته پاکستان و ایران جابجا شدند و ایشان را استخبارات دشمن در جمهوریت بر ما سیاسیون افغانستان ساختند و تا امروز علیه افغانستان استفاده سوء میکنند!

مخالفین حاکمیت طالب در افغانستان، تحت نام فدرالی افغانستان را به تجزیه میبرند و دهها تخطی دیگر که ملت افغان چشم و گوش باز دارد!

پشتون را با تمام شواهد تاریخی در افغان و افغان را در پشتون خلاصه کردن و این هویت را که (افغان) کلیمه پشتو نیست و پشتونها در انتخاب آن اصطلاح اصلاً نقش نداشتند ولی حال هویت هست، مانند امریکو که نام دوست نقشه کش ایتالوی هست و حال هویت شده، با هم خلط و مزج کردن و این هویت را مخالفین موجود طالب به شمول مجیب الرحمن رحیمی ها قبول ندارد و خانم کوفی و امثال انرا سوء استفاده میکنند!

مسلم که این عوامل و مواضع مخالفین را از جامعه تجرید میکنند!

مسلم که شمار محدود از نویسندگان یا بنابر قلت معرفت و یا به علت وسعت تأثیر پشتونها در این مرز و بوم، در مقاطع تاریخ، پشتون را با افغان مغالطه نیز کرده اند، اما حال افغان هویت هست که از جانب هند و جانب ایران امروز (الواح کوروش کبیر) به تمام ساکنان و تمام اقوام ساکن در کوه پایه های هندو کش اطلاق شده هست! این از بیرون داده شده، انتخاب ما نیست!

مخالفین طالب درین استقامت نیز زهر پراگنی های فاشیستی زیاد دارند و این به رکود و اضمحلال این طرف می انجام، حالتیکه جناب اخلاقی از حالت رکود مخالفین طالبان یاد آوری و اعتراف دارد!

جو و فضای بین المللی هم متفاوت شده و دیگر آمریکا یکه تاز جهان نیست! اصول اخلاقی در جهان به اضمحلال و انحطاط رفته و آنچه در شرق میانه و علیه فلسطینی ها به وقوع پیوست و یا در غزه به دست مجریان جنرال عاصم منیر پاکستانی در حال اجرا است، جهان را به بحرانهایی جدید انحطاط اخلاقی برده و انسانیت به آن شرم دارد!

برای خروج از بحران و تراژیدی امروز در افغانستان، تامین حقوق شهروندان افغان و در مطابقت به ارزشهای اسلامی، ایجاد حاکمیت مشروع و در نهایت امر بخاطر جلوگیری از به هدر رفتن خدمات کرده گی طالبان، تا دیر نه شده، اشد ضرورت است تا حاکمیت طالبان در افغانستان نیز در طرز تفکر دولرداری خود تغییر وارد کنند و از استکبار در برابر ملت افغان دست بردارند!

شریک ساختن ملت دعوت به افغانستان جهت بیعت و رفتن به بند امر و نان خورد و تشناب رفتن نیست! حاکمیت طالبان منزوی از جهان هست و چند به رسمیت شناسی را که صورت گرفته، برای افغانها و افغانستان نیست، بلکه در تقابل بزرگ ابر قدرتها، برای منافع خود شان است! این را موفقیت تلقی کردن فریب خود هست! ملت سالاری تنازل از ارزشهای اسلامی نیست و رفتن به ملت مجاهد و مسلمان افغان، در عالم اسباب یک امر اجتناب ناپذیر هست!

مراجعه به ملت در چوکات ارزشهای اسلامی عدول از اساسات اسلامی نیست!

لذا جنابان اخلاقی قبل از شکایت از وضع رکود و جمود در جبهه مخالف؟! طالبان باید گناه و تخلفات خود اعتراف و خود را اصلاح کنند!

اعتراف فرصت توبه، حق هر انسان هست، ولی اعتراف به تخطی و خطاء فرصت انتخاب و پیشکش کردن مجدد خود را به عنوان رهبر و زعیم، از وی و امثال آن منتفی میسازد و این همان ترس هست که ملت از آن دارد! رهبران و مجریان ناکام و تجربه شده، صرف مانند سرباز می توانند در تلافی گناهان خویش تلاش کنند و برآیند! حق زعامت مجدد را ندارند!

باید هریک از ما به عمل کردهای خود مراجعه کنند! عامل این حالت به صورت عمده را قبل ازینکه در دیگران جست، باید در عملکرد و طرز تفکر و کار خود یافت و در رفع آن کار صادقانه کرد!

افغانستان و وضع رقت بار موجود به یک پلاتفورم وسیع ملی به شمول طالبان ضرورت دارد که اصول و اساسات فوقملی، اسلامی، اصول قبول شده عام متمدن و سیاسی را با اصل ملت سالاری و اسلام سالاری قبول و عمل کند! این پروسه سرک قیر نه خواهد بود اما باید از یک جای با در نظر داشت تجارب و دانش لازم سیاسی آغاز شود! هر نوع مکر و فریب، به جان زدن و یک مرتبه ای کوتاه راه را رفتن و بالا کردن و باز به شانه های ملت بدون اراده ملت تلاش سوار شدن، خطاء هست! آنهایکه چنین شرایط را داشتند و حال فکر پایین شدن را فراموش کردند، نه به خود چنین مردم مفاد دارد و نه ما را از بحران و تراژیدی موجود بیرون کرده میتواند!

به یاد داشته باشیم، نشست ها و کنفرانسها صرف و صرف برای توافقات مقدماتی و یافتن (انتخاب) سیستم و راهکارها بکار رفته میتوانند که در نتیجه ملت سالاری در چوکات ارزشهای دین مبین اسلام به توافق برسند و برای تحقق آن این پروسه باید آغاز و روی دست گرفته شده و ارزشهای ملت سالار متمدنانه انتخاب و ساخته شود! الترناتیف دیگر و به جان زدن ها، و تکرار حاکمیت های پراشوتی، قرین به کامیابی نه خواهد بود و سبب تمديد و تعمیق تراژیدیو بحران خواهد شد! انتخاب با شماست!

و من الله التوفیق
دکتر صلاح الدین سعیدی
۲۰۲۵/۱۱/۱۹
۰۰۴۴۷۸۸۶۴۷۴۶۳۸